

روزنامه

شماره ۴/۳

پنج‌شنبه؛ ۱ مرداد ۱۴۰۵؛ ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۶

پیرمردان صغیر



در حمایت از لب‌های دوخته شده قزل حصار

اعتصاب غذای زندانیان واحد دو قزل حصار وارد مرحله‌ای دیگر شده است. شماری از معترضان، پس از انتقال شش زندانی محکوم به اعدام به سلول‌های انفرادی، لب‌های خود را دوخته‌اند و در نهمین روز اعتراض از آغاز «اعتصاب غذای خشک» خبر داده‌اند. گزارش‌ها از وخامت حال بعضی زندانیان حکایت دارد؛ اما به گفته‌ی معترضان، هیچ مقام مسولی برای پاسخ‌گویی یا رسیدگی به خواسته‌های آنان وارد عمل نشده است. ویدیوهای منتشر شده نشان می‌دهد اعتراض، به شکل کنشی جمعی در درون بند اجرا شده است. این هم‌بستگی اهمیت دارد؛ زیرا زندانیان مرز میان محکوم امروز و قربانی احتمالی فردا را در هم شکسته‌اند.

این اعتراض از ۲۲ تیر آغاز شده است. زمانی که زندانیان با تحویل نگرفتن جیره‌ی غذایی خود، در برابر افزایش اعدام‌ها، به‌ویژه در پرونده‌های مواد مخدر، ایستادند. دوختن لب‌ها صرفاً بر وضعیتی دلالت دارد که زندانی در آن ناچار شده برای ششیده شدن، بدن خود را به آخرین رسانه‌ی در دست‌رس بدل سازد. شکلی از نمایان‌سازی رنجی که نهاد زندان می‌کوشد پنهانش سازد.

کتاب تصور العا، به ویراستاری دیوید گوردون اسکات و اما بل، تاکید می‌کند که اندیشه‌ی الغای مجازات اعدام، غالباً «از پایین» و به ویژه در میان کسانی که سرکوب را مستقیماً تجربه می‌کنند، شکل می‌گیرد. همین خاستگاه سبب می‌شود صدای آنان در تاریخ رسمی کمتر ثبت شود؛ زیرا تاریخ را معمولاً نهادهایی می‌نویسند که شکل جاری زندان و مجازات را ضروری و طبیعی جلوه می‌دهند. از این رو، لب‌های دوخته شده‌ی قزل حصار، گذار از استیصال و گواهی بر دانشی‌اند که از درون زندان و علیه حقیقت رسمی آن تولید می‌شود.

اسکات و بل، با بازخوانی سنت‌های سوسیالیستی و آنارشستی، پنج محور نقد تمرکز قدرت، نقد نابرابری اجتماعی، دفاع از آزادی، هم‌بستگی و هم‌یاری متقابل، و سنجش مجازات با معیارهای اخلاقی را در مرکز الغاگرایی قرار می‌دهند. از دید آنان، زندان نهادی مولد سلطه، بیگانگی و انسان‌زدایی است.

فصل مربوط به تولستوی بر خطر عادی شدن اعدام تاکید دارد و به این می‌پردازد که قانون نمی‌تواند وجدان فرد را از مسئولیت معاف کند. هم‌چنین، نام «حکم» نیز ماهیت خشونت را تغییر نمی‌دهد. کم‌ترین وظیفه‌ی انسان این است که درباره‌ی خشونت قانونی، به خود و دیگران دروغ نگوید. اعتراض اخیر قزل حصار، همین عادی‌سازی را مختل می‌کند. آن چه قرار بوده در سکوت اداری اجرا شود، به مسأله‌ای عمومی بدل شده است.

کتاب به نقل از کروپوتکین، بیان می‌کند که شدت مجازات، میزان جرم را کاهش نداده و لنو مجازات مرگ به افزایش قتل منجر نمی‌شود. به نظر او، شرایط مادی زندگی، فقر، قیمت نان و امنیت اجتماعی تأثیری واقعی‌تر از تهدید مجازات دارند. این استدلال، اعدام را از ادعای بازدارندگی تهی می‌کند و پرسش را از «چگونه شدیدتر مجازات کنیم؟» به «چه شرایطی آسیب را تولید می‌کند؟» انتقال می‌دهد.

حمایت از زندانیان قزل حصار نباید به رمانتیسته نمودن وضعیت و ترحم نسبت به لب‌های زخمی آنان محدود شود. هم‌بستگی یعنی ثبت صدایشان، مراقبت از سلامت اعتصاب‌کنندگان، مقابله با انزوای تحمیل شده توسط ساختار زندان و جلوگیری از فراموش شدن اعتراض، پس از پایان چرخه‌ی خبری.

خمینی آن قدر اتوریته داشت که هنگام میرا ساختن خود از انتخاب بازرگان، بنی‌صدر و منتظری و از خطاهای بارزش در همان مضحکه‌هایی که ساخته بود، کسی یقه‌اش را نچسبد. رضا پهلوی از چنین اقبالی برخوردار نیست؛ چرا که خواسته یا ناخواسته، بازیچه‌ی چند اکانت موهوم شده است. بدتر از او، دیگر مدعیان چپ و راستی هستند که میراسازی خود از دیگران را با کم و زیاد شدن اکانت‌های دنبال‌کننده‌شان در شبکه‌های اجتماعی تنظیم می‌کنند.

اشتراک خمینی، رضا پهلوی و مدعیان، در منزه‌طلبی بی‌پایه‌شان از افراد و اموری است که نامشان را بر زبان‌هایی جعل کرده‌اند. نوعی قهر و معصومیت‌نمایی کودکانه، به شکلی که مانند کودکان همواره با نفی عده‌ای یا دروغ‌سازی، به دنبال یافتن کسانی‌اند که خطاهایشان را به دلیل معصومیتشان پوشانده یا برطرف سازند. بر کودک خرّی نیست. کودک بی‌تجربه است، خطایش در ناآگاهی مستتر و دامنه‌ی خطایش ناچیز. سه سنخ یاد شده، به اقتضای استقرارشان در چهل مرکب یا منافع شخصی و یا هر دو با هم، ضمن اشتراکشان با کودکان در بی‌تجربگی و ناآگاهی، دامنه‌ی خطایی گسترده و فاجعه‌بار دارند. آنان هیچ گاه مسئولیت تصمیمات خود را نپذیرفته و به شکلی تناقض‌آمیز، فجایع را ذیل رزومه‌ی خود دسته‌بندی می‌کنند. البته با کاستن حقایق و افزودن دروغ‌ها! گفتن «بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود پذیرفته قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم...» از سوی خمینی، تکذیب‌های مکرر رضا پهلوی و زیر پا گذاشتن‌های بدیهی‌ترین اصول مبارزاتی توسط مدعیان، ریشه‌ای یک‌سان، اما نتایجی گوناگون دارد. خمینی در راس قدرت، رضا پهلوی در میانه‌ی تبلیغ برای دیگر قدرتان و مدعیان در باتلاق خودنمایی‌هایشان، چنان روندهایی را طی کردند.

تفاوت در موقعیت آنان، تفاوت در میزان خسارت را رقم می‌زند، نه در منطق رفتارشان. هر سه، صغیرانه هنگام بحران پاسخ‌گویی را کنار انداخته و عرصه‌ی افسانه‌سازی پیرامون خویش را گشوده‌اند. افسانه‌ای که در آن، شکست همیشه محصول خیانت دیگران بوده، دروغ ضرورت مبارزه قلمداد شده و حذف منتقدان شرط بقا پنداشته می‌شود. از همین رو، باید سازوکار تولید این معصومیت جعلی و مناسبات مادی پشت آن را به همراه شبکه‌های تبلیغاتی مربوطه، واکاوی و آشکارسازی کرد.

باید توجه داشت که این پیرمردان صغیر، از هیاهوها ارتزاق می‌کنند. سکوت در برابرشان جایز نیست؛ که در آشفتگی‌ها انبان خود پر می‌کنند و ساده‌دلان و ساده‌لوحانی (این دو را نباید یکی انگاشت) چند را با این مغالطات که «بدیل دیگری نیست» و «ما چنینیم و چنان» و «آزادی در گرو قدرت رسیدن ماست» و... در محافل خود گرد می‌آورند. هر گونه بازی در زمینشان نیز پیشاپیش محکوم به شکست است؛ زیرا فرد مجبور می‌شود اگر نه کامل، و جوهی از دروغ‌ها یا هرزه‌درایی‌هایشان را بپذیرد. راه بهیبت و سخت، هموارسازی زمین حقیقی است. نه به آن نحو که چنان افرادی نادیده گرفته شوند یا کنش منحصر به آنان شود؛ بلکه بدان شکل که شالوده‌های هرزی که بر آن ایستاده‌اند، فرو ریخته شود و هم‌زمان، کنش نیز به پیش رانده شود.

درخواست ۷۰ میلیارد دلاری پنتاگون از کنگره برای ادامه جنگ با ایران

دولت دونالد ترامپ از کنگره خواسته است تا برای ادامه جنگ با ایران و جبران کمبود مهمات، عملیات و آمادگی نظامی، حدود ۷۰ میلیارد دلار بودجه اضطراری تصویب کند. در حالی که هزینه‌ی ثبت شده‌ی جنگ به ۳۷.۵ میلیارد دلار رسیده، این درخواست نشان می‌دهد نبردی که چند هفته‌ای تصور می‌شد به تعهدی مالی و نظامی بلند مدت تبدیل شده است.

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح، روز سه‌شنبه در کمیته‌ی تخصیص بودجه‌ی سنا حاضر شدند تا از تامین مالی تازه دفاع کنند. لس‌آنجلس تایمز رقم درخواست را «حدود ۷۰ میلیارد دلار» نوشته است. واشنگتن پست درخواست رسمی کاخ سفید را ۶۷ میلیارد دلار گزارش داده و جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان در حال تنظیم بسته‌ای ۷۳ میلیارد دلاری‌اند. رقم ۳۷.۵ میلیارد دلار نیز برآورد هگست از هزینه‌ی انجام شده تا این مرحله است، نه بودجه‌ی مورد نیاز برای ادامه جنگ. این برآورد در اوایل ماه مه ۲۹ میلیارد دلار بوده است.

همین تفکیک نشان می‌دهد «هزینه‌ی جنگ» را نمی‌توان در بازی با اعداد خلاصه کرد. هزینه‌ی عملیات جاری، جای‌گزینی موشک‌ها و مهمات دفاعی، تعمیر پایگاه‌های آسیب دیده، نگهداری هواپیماها و کشتی‌ها، حفاظت از نیروهای مستقر در منطقه و ذخیره‌سازی برای درگیری‌های احتمالی آینده در حساب‌های متفاوت ثبت می‌شوند. واشنگتن پست نوشته است برآورد کاخ سفید احتمالاً هزینه‌ی بازسازی پایگاه‌های آمریکایی آسیب دیده را دربر نمی‌گیرد. از این رو، حتی رقم ۳۷.۵ میلیارد دلار نیز ممکن است تصویر کاملی از تعهد مالی ایجاد شده ارائه نکند. اعلام رقم گردشده ۷۰ میلیارد دلار نیز می‌تواند تفاوت میان هزینه‌ی تحقق یافته، نیاز عملیاتی و سقف قانون‌گذاری را پنهان کند. کسری پنتاگون به معنای تمام شدن بودجه‌ی کلی وزارت دفاع نیست. بودجه‌ی دفاعی سال جاری آمریکا، با احتساب ۱۵۰ میلیارد دلار تامین مالی یک‌باره، نزدیک به یک تریلیون دلار است و دولت برای سال ۲۰۲۷ رقم ۱.۵ تریلیون دلار درخواست کرده است. مشکل در حساب‌های مشخصی پدید آمده که جنگ با سرعتی بیش از پیش‌بینی، آن‌ها را مصرف کرده است. گزارش واشنگتن پست می‌گوید پنتاگون خواستار اجازه‌ی انتقال ۴.۳ میلیارد دلار از آموزش و خریدهای تسلیحاتی به اولویت‌های فوری‌تر شده و برخی تمرین‌ها و فعالیت‌های نگهداری نیز محدود یا لغو شده‌اند. بنابراین، پی‌آمد مالی جنگ در خود ارتش نیز آشکار شده است. با ادامه‌ی روند جاری، تامین عملیات کنونی، بودجه‌ی آموزش نیروها، تعمیر تجهیزات و آمادگی برای آینده را خواهد بلعید.

طولانی‌شدن جنگ، اعتبار برآوردهای اولیه دولت را نیز به چالش کشانده است. عملیاتی که گویا برای چهار تا پنج هفته طراحی شده بوده، اکنون وارد پنجمین ماه شده و فروپاشی آتش‌بس، محاسبات نظامی واشنگتن را برهم زده است. برنامه‌ریزی عملیاتی و ارزیابی توان ادامه‌ی جنگ، بر فرض‌هایی استوار بوده که در برابر تحولات میدانی دوام نیاورده‌اند. شکاف میان سخنان پیشین ترامپ درباره‌ی کفایت ذخایر تسلیحاتی و هشدارهای کنونی پنتاگون پیرامون وضعیت «بحرانی»، اعتبار روایت رسمی را نیز بیش از پیش تضعیف کرده است. قانون‌گذاران اکنون علاوه بر آمار موجودی و مصرف، خواهان دانستن مبنای محاسباتی تصمیم‌هایی هستند که جنگ را مهار شدنی و از نظر تدارکاتی، قابل ادامه تعریف می‌کردند.

این تحول، کش‌مکش میان اختیار نظامی قوه مجریه و اختیار مالی کنگره را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. کاخ سفید بدون دریافت مجوز جدید، عملیات را ادامه داده؛ اما برای حفظ آن ناچار است به نهادهای مراجعه کند که در تعیین حدود دامنه‌ی جنگ نقش خاصی نداشته است. دموکرات‌ها و شماری از جمهوری‌خواهان، از فقدان اطلاعات درباره‌ی هدف و حدود عملیات انتقاد کرده‌اند؛ اما این اعتراض الزاما به مخالفت با پرداخت هزینه‌های آن منجر نخواهد شد. دولت می‌تواند حفاظت از نیروهای حاضر در منطقه را به ضرورتی فوری تبدیل کرده و موقعیتی را پیش آورد که رد بودجه، به عنوان به خطر انداختن نیروها قلمداد شود.

ادامه‌ی جنگ، مناسبات دولت و صنعت تسلیحاتی را نیز تغییر می‌دهد. افزایش تقاضا برای موشک‌ها و سامانه‌های دفاعی، زمینه قراردادهای چندساله، تضمین خرید دولتی و سرمایه‌گذاری برای توسعه‌ی خطوط تولید را نیز فراهم می‌کند. شرکت‌ها برای افزایش ظرفیت، خواهان اطمینان از تداوم سفارش‌ها خواهند شد و پنتاگون نیز برای بازسازی توان مصرف‌شده، بیش از گذشته به تولیدکنندگانی وابسته می‌شود که افزایش سریع تولید بدون آن‌ها ممکن نخواهد بود. منابع موجود هنوز نام دریافت کنندگان قراردادهای تازه، ارزش سفارش‌ها و میزان درآمد حاصل از آن‌ها را مشخص نکرده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان برندگان شرکتی جنگ را با دقت تعیین کرد. با این حال، یک تصمیم موقت برای پاسخ‌گویی به نیازهای میدانی، می‌تواند الگوی خرید وزارت دفاع را برای چند سال تغییر دهد.

بار مالی این تعهدات از راه مالیات، افزایش بدهی دولت یا کاهش امکان هزینه‌کرد در حوزه‌های دیگر بر جامعه تحمیل می‌شود. بدین ترتیب، سرعت تصمیم‌گیری نظامی با امکان نظارت عمومی تناسبی نخواهد داشت. گسترش عملیات ممکن است در چند روز انجام شود؛ اما آثار آن سال‌ها در ساختار بودجه باقی خواهد ماند. آن چه با عنوان اعتبار اضطراری آغاز شده، می‌تواند به تعهدی پایدار تبدیل شود که اولویت‌های مالی دولت را تغییر داده و پایان سیاسی جنگ را دشوارتر خواهد کرد.

کشاورزان هند علیه توافق تجاری و در کنار دانش جویان

هزاران کشاورز در ایالت‌های شمالی هند، هم‌زمان با فراخوان اعتراض سراسری علیه توافق تجاری پیشنهادی هند و آمریکا، کوشیدند خود را به دهلی برسانند؛ اما پلیس در مرز هاریانا، ورودی‌های پایتخت و چند شهر اوتار پرداش، مسیر آنان را بست. هرچند شواهد موجود هنوز برای سخن گفتن از ائتلافی پایدار میان دو جنبش کافی نیست؛ ولی تا کنون، پیوند این اعتراض با حمایت از دانش جویان معترض، دامنه‌ی سیاسی بسیج کشاورزان را گسترش داده است.



سامیوکت کیسان مورچا، ائتلاف سراسری تشکل‌های کشاورزی هند، برای روز سه‌شنبه ۲۲ ژوئیه، فراخوان اعتراض در سراسر کشور صادر کرد. این ائتلاف در نامه‌ای به دروپردای مورمو، رئیس جمهوری هند، خواستار مداخله برای جلوگیری از امضای توافق تجارت آزاد با آمریکا و دیگر پیمان‌های مشابه شد. این ائتلاف، لغو توافقی‌های امضا شده و بررسی پی‌آمدهای آن‌ها در پارلمان را نیز مطالبه کرده است. رهبران این تشکل می‌گویند کاهش موانع وارداتی، محصولات کشاورزی و صنعتی یارانه‌ای آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا را وارد بازار هند کرده و کشاورزان داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد. در پنجاب، حدود هزار کشاورز برای شرکت در «مجمع بزرگ کشاورزان» (موسوم به کیسان ماهاپانچایت) در دهلی، راهی پایتخت شدند که پلیس در گذرگاه شامبو، واقع در ۲۰۰ کیلومتری شمال دهلی، با موانع زنجیری، بلوک‌های سیمانی و استقرار نیروها حرکت آنان را متوقف کرد. آب‌پاش‌های پلیس نیز در محل آماده بود و در بخش‌هایی از آمبالا محدودیت تجمع برقرار شد. کشاورزان پس از تحویل یادداشتی به وزیر کشاورزی هاریانا و معاون فرماندار آمبالا، عقب نشستند و مقام‌ها وعده دادند بازداشت شدگان آزاد شوند.

هم‌زمان، پلیس دهلی اعلام کرد ۲۵۶ نفر را که از ورودی‌های مختلف برای شرکت در تجمع راهی پایتخت بودند، موقتاً بازداشت کرده است. در غرب اوتار پرداش نیز تجمع‌هایی در میرت، بلندشهر، هاپور، باغپت و بریلی برگزار شد. گزارش‌ها همچنین از حصر خانگی شماری از کشاورزان و نمایندگان مخالفان برای جلوگیری از حرکت آنان به سوی دهلی خبر می‌دهند. بخشی از معترضان، مخالفت با توافقی‌های تجاری را با حمایت از دانش‌جویانی پیوند زدند که به تقلب در آزمون‌ها و رفتار پلیس اعتراض داشتند.

توافقی‌های تجاری معمولاً در لفافه‌ی رشد، صادرات و دسترسی به بازار عرضه می‌شوند؛ اما هزینه‌های آن‌ها میان گروه‌های اجتماعی به‌طور برابر توزیع نمی‌شود. تولیدکننده‌ی خرد که توان ذخیره‌سازی، تعیین قیمت یا تحمل دوره طولانی زیان را ندارد، در برابر واردات ارزان و رقابت یارانه‌ای آسیب‌پذیرتر است. از همین رو، مطالبه‌ی بررسی توافق در پارلمان، نزاعی بر سر حق نظارت عمومی بر تصمیمی است که پی‌آمدهای آن مستقیماً بر معیشت روستاییان اثر می‌گذارد.

میانجی‌گری دوباره‌ی پاکستان پس از آزمون آتش‌بسی شکست خورده

سفر اسکندر مومنی، وزیر کشور ایران، به اسلام‌آباد در دهمین روز حملات متقابل ایران و آمریکا، بیش‌تر به منزله‌ی آزمونی برای سنجش ظرفیت واقعی پاکستان در احیای آتش‌بسی است که پیش از ایجاد ساز و کار اجرایی، فروپاشیده است. هم‌زمانی دیدارهای مومنی با ادامه بمباران ایران، حمله به کشتی‌ها و گسترش درگیری به کشورهای خلیج فارس، نشان می‌دهد دیپلماسی هنوز در حاشیه‌ی جنگ حرکت کرده است.

مومنی روز سه‌شنبه با شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، عاصم منیر، فرمانده ارتش، و محسن نقوی، وزیر کشور این کشور دیدار کرد. گزارش‌های آسوشیتدپرس و خبرگزاری آلمان، این سفر را بخشی از تلاش اسلام‌آباد برای نجات توافق موقتی که ماه گذشته میان ایران و آمریکا شکل گرفته بود، معرفی کردند. با این حال، تا کنون هیچ نشانه‌ای از حضور نمایندگان دو طرف در یک مذاکره‌ی مشترک، ارایه‌ی متن تازه برای آتش‌بس یا توافق بر سر زمان توقف عملیات، دیده نمی‌شود. آن چه تاکنون رخ داده، تماس دیپلماتیک ایران با یک میانجی است.

تماس، انتقال پیام است. میانجی‌گری با ارایه‌ی پیشنهاد برای نزدیک کردن مواضع آغاز می‌شود و مذاکره پیرامون آتش‌بس، مستلزم توافق بر دامنه‌ی توقف عملیات، زمان اجرا، نظارت و پی‌آمدهای نقض آن است. گزارش‌ها روشن نمی‌کنند پاکستان در کدام مرحله قرار دارد و آیا گفت‌وگوهای تازه، ادامه‌ی همان تفاهم پیشین بوده یا ابتکاری مستقل برای جای‌گزینی آن است.

ابهام درباره‌ی ماهیت این روند، در شرایطی اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند که عملیات نظامی، مستمرا در حال گسترش است. گزارش‌های روز سه‌شنبه از دهمین روز متوالی حملات سخن گفته‌اند و نسخه‌های به‌روز شده در بامداد چهارشنبه، از یازدهمین موج شبانه‌ی حملات آمریکا خبر دادند. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد مراکز فرماندهی نظامی، توانایی‌های دریایی، محل‌های پرتاب موشک و پهپاد و سامانه‌های دفاع هوایی ایران را مورد هدف قرار داده است.

خبرگزاری تسنیم از شنیده شدن انفجار در کنارک و چابهار خبر داده، پرس‌تی‌وی از حمله‌ای در نزدیکی شیراز نوشته و خبرگزاری فارس گزارش‌هایی درباره‌ی انفجار در اطراف قشم و نزدیک بندرعباس منتشر کرده است. آسوشیتدپرس نیز به نقل از رسانه‌های دولتی ایران، ایلام و کرمان را در میان مناطق گزارش شده قرار داده است. این گزارش‌ها، وقوع انفجار یا شنیده شدن صدای آن را بازتاب می‌دهند؛ اما درباره‌ی نوع مهمات، هدف دقیق، میزان خسارت و شمار قربانیان اطلاعات مستقلی ارایه نمی‌کنند.

در سوی دیگر، ایران حملات خود به کشتی‌رانی و کشورهای میزبان نیروهای آمریکا را ادامه داده است. مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا از اصابت پرتابه‌ای ناشناس به یک نفت‌کش در نزدیکی ساحل عمان خبر داده است. حادثه‌ای که به آتش‌سوزی در موتورخانه و تخلیه خدمه انجامید. سپاه پاسداران مسولیت این حمله

و دو حمله دیگر را پذیرفت. تهران، فقط مسیر تعیین شده از سوی خود را امن می‌داند و در مقابل، آمریکا کشتی‌ها را به مسیر نزدیک‌تر به ساحل عمان هدایت می‌کند. بنابراین، آتش‌بس به توقف بمباران محدود نخواهد بود و کنترل عملی تنگه‌ی هرمز یکی از محورهای اصلی منازعه است.

هم‌زمان، اردن از ره‌گیری پنج پهپاد و سه موشک ایرانی خبر داده، بحرین از زیر هشدار موشکی به صدا درآورده و کویت اعلام کرده نیروگاه‌های برق و تأسیسات آب‌شیرین‌کن آن هدف حمله قرار گرفته‌اند. در عراق نیز پروازهای فرودگاه اربیل، پس از حملاتی با منشا نامعلوم، موقتا متوقف شد. این گسترش جغرافیایی کار میانجی را دشوارتر می‌کند. توافق باید علاوه بر تهران و واشنگتن، پایگاه‌های آمریکا، متحدان منطقه‌ای، گروه‌های هم‌پیمان ایران، مسیرهای دریایی و زیرساخت‌های غیرنظامی را نیز دربرگیرد.

تهدید حوثی‌های یمن به ایجاد محاصره‌ی دریایی علیه عربستان، محدودیت دیگری برای پاکستان ایجاد کرده است. خبرگزاری صبا، وابسته به حوثی‌ها، مدعی شد شش کشتی عربستانی پس از دریافت هشدار تغییر مسیر داده‌اند. ادعایی که گویا آسوشیتدپرس توانسته مستقلا تایید کند. هشدار درباره‌ی باب‌المندب و احتمال اختلال هم‌زمان در آن و در تنگه‌ی هرمز، بحران را از جنگ دو دولت فراتر خواهد برد. پاکستان پیش‌تر اعلام کرده بود حمله به عربستان را تعرض به خود تلقی خواهد کرد.

موضعی که بی‌طرفی آن را محدود خواهد ساخت. اسلام‌آباد برای میانجی‌گری چند امتیاز دارد. پاکستان با ایران مرز مشترک، روابط امنیتی و مبادلات تجاری دارد و در عین حال، کانال‌های فعال سیاسی و نظامی را با آمریکا و دولت‌های خلیج فارس حفظ کرده است. نقش عاصم منیر در توافق موقت پیشین و حضور او در دیدار با مومنی نشان می‌دهد ارتش پاکستان در این روند نقشی مرکزی دارد. در ساختار قدرت پاکستان، سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای فقط در اختیار دولت غیرنظامی نیست. این تمرکز نهادی، پاکستان را در مقایسه با عراق به میانجی منسجم‌تری تبدیل می‌کند. اما انسجام نهادی به معنای قدرت الزام‌آور نیست. پاکستان می‌تواند پیام‌ها را منتقل کند و طرحی نسبی برای توقف عملیات پیشنهاد دهد؛ اما نمی‌تواند به‌تنهایی آمریکا را به پایان حملات وادار کند، ایران را به پذیرش مسیر دریایی مطلوب واشنگتن ملزم سازد یا اقدامات همه‌ی گروه‌های مسلح منطقه را تضمین کند. دونالد ترامپ نیز گفته که آمریکا «علاقه‌ای به ملاقات» ندارد و احتمال حمله به منطقه‌ای نزدیک کوه کلنگ، محل یکی از تأسیسات اصلی غنی‌سازی ایران، را مطرح کرد. تهران نیز حمله به مراکز هسته‌ای یا حساس را گسترش عمده جنگ دانسته است. دو طرف هنوز نیروی نظامی را ابزار افزایش قدرت چانه‌زنی می‌دانند.

گزارش روز چهارشنبه‌ی تهران تایمز، از سفر مومنی نیز تصویر متفاوتی ارایه می‌دهد. این روزنامه به جای تمرکز بر آتش‌بس، از هدف افزایش تجارت دوجانبه به ده میلیارد دلار، تسهیل عبور کامیون‌ها، توسعه‌ی گذرگاه ریمدان - گبد، نوسازی خط آهن تفتان - میرجاوه و هم‌کاری امنیتی در مرز نزدیک به ۹۰۰ کیلومتری دو کشور نوشته است. این روایت نشان می‌دهد سفر فقط ماموریتی اضطراری درباره‌ی جنگ نبوده و در مناسبات

اقتصادی و امنیتی بلند مدت دو کشور نیز قرار داشته است. این منافع، انگیزه‌ی پاکستان برای مهار جنگ را تقویت نموده؛ اما آزادی عملش را محدود می‌کند.

جنگ، مستقیما مسیرهای تجارت، سرمایه‌گذاری و اتصال منطقه‌ای مورد نظر دو دولت را تهدید می‌کند. راه‌آهن، گذرگاه‌های مرزی و حمل و نقل کامیونی به مرزهای قابل پیش‌بینی و بازارهای در دسترس نیاز دارند. ادامه‌ی جنگ هزینه‌ی کالا و سوخت را افزایش می‌دهد و فشار آن را بر رانندگان، کارگران حمل و نقل، کارکنان بنادر، خدمه‌ی کشتی‌ها و خانوارها منتقل می‌کند. میانجی‌گری پایان جنگ برای دولت پاکستان، تلاش برای حفاظت از شبکه‌هایی‌ست که درآمد و ثبات داخلی به آن‌ها وابسته است نیز می‌باشد.

همین واقعیت، معنای آتش‌بس را نیز تغییر می‌دهد. اگر توافق فقط توقف موقت حملات مستقیم ایران و آمریکا باشد؛ اما حمله به کشتی‌ها، پایگاه‌ها، نیروگاه‌ها، آب شیرین‌کن‌ها و خطوط انتقال ادامه یابد، هزینه‌ی جنگ هم‌چنان از طریق نرخ انرژی، اختلال در تولید و محدود شدن خدمات عمومی، به جمعیت منطقه منتقل خواهد شد. معیار موفقیت میانجی‌گری باید کاهش واقعی خطر برای زندگی و زیرساخت‌های عمومی باشد، نه تعداد جلسات.

ظاهرا توافق شکست خورده‌ی پیشین، فاقد همین ساز و کارها بوده است. روشن نیست چه نهادی مسول نظارت بر بازگشایی تنگه‌ی هرمز، ثبت حملات و رسیدگی به نقض توافق بوده است. اعلام باز بودن آبراه، با امکان عملی و اقتصادی عبور یک‌سان نیست. با باقی‌ماندن خطر حمله، توقیف، تغییر مسیر و افزایش حق بیمه، کشتیرانی به روال عادی برنمی‌گردد. آتش‌بس بدون نهاد نظارتی و ضمانت اجرا نیز بیشتر به وقفه‌ای شکننده میان دو دور درگیری شباهت دارد.

تکثر میانجی‌ها تاکنون این ضعف را جبران نکرده است. بغداد کوشید میان تهران، واشنگتن و دولت‌های خلیج فارس کانال‌هایی ایجاد کند و اکنون اسلام‌آباد برای احیای توافق وارد عمل شده است. عراق به دلیل پراکندگی قدرت داخلی محدود بود. پاکستان ساختار متمرکزتری دارد؛ اما روابطش با آمریکا، عربستان و ایران آن را درون همان تضادهایی قرار می‌دهد که باید میانجی آن‌ها باشد. تغییر میانجی‌گر، به خودی خود قدرت دیپلماسی را افزایش نمی‌دهد.

دشواری واقعی پاکستان این است که آیا می‌تواند تماس‌های جداگانه را به چارچوبی مشترک تبدیل کرده و توقف زمان‌بندی‌شده‌ی حملات، تعریف اهداف ممنوع، تعیین مسیر و قواعد کشتی‌رانی، نظارت مستقل، سازوکار رسیدگی به نقض‌ها و تضمین مشارکت بازیگران منطقه‌ای را مشخص کند، یا نه؟ تا زمانی که چنین اجزایی شکل نگرفته‌اند، سفر مومنی را باید تلاشی برای باز نگه داشتن کانال سیاسی دانست، نه نشانه‌ای بر نزدیک شدن پایان جنگ. در دهمین روز درگیری، دیپلماسی هنوز توانسته هزینه‌ی ادامه‌ی جنگ را برای تصمیم‌گیرندگان از منافع احتمالی فشار نظامی بیشتر کند. اگر این موازنه تغییر نکند، پاکستان نیز مانند پیش، بیش از آن که جنگ را متوقف کند، تنها نقشی اندک در مدیریت سرعت و فاصله‌ی مراحل بعدی آن خواهد داشت.

عنوان «جهان در این هفته: سیاست» در صفحه ۵، از سرگیری درگیری میان آمریکا و ایران به عنوان نشانه‌ی فروپاشی عملی آتش‌بس توصیف می‌شود. دونالد ترامپ محاصره‌ی دریایی شناورهای ایرانی در تنگه‌ی هرمز را دوباره برقرار کرده و دستور حملات تازه‌ای را صادر کرده که هدف اعلام شده‌ی آن، کاهش توان ایران برای حمله به کشتی‌رانی تجاری است. هم‌زمان، ایران حملات خود را به اهدافی در کشورهای منطقه ادامه داده است. کویت و اردن در میان کشورهای هدف قرار گرفته بوده‌اند و دو نفت‌کش اماراتی نیز با موشک‌های کروز آسیب دیدند. آمریکا نیز یک نفت‌کش در مسیر جزیره‌ی خارک، مرکز اصلی صادرات نفت ایران، را هدف قرار داده است. ترامپ احتمال دریافت عوارض ۲۰ درصدی از کشتی‌های عبوری از تنگه را مطرح کرد، اما به سرعت از این طرح عقب نشست و تشدید تنش موجب افزایش قیمت نفت شد.

عنوان «مردی بی‌برنامه در برابر ایران؛ بن‌بست ترامپ» در صفحه ۹، مسیر شکست توافق موقت توضیح داده می‌شود. پیشنهاد آمریکا در برابر باز شدن تنگه‌ی هرمز و کنار گذاشتن برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای ایران، امکان بازگشت درآمد نفتی و سرمایه‌گذاری گسترده به اقتصاد آسیب دیده از تحریم و جنگ بود. با این حال، اختلاف بر سر معنای یادداشت تفاهمی که یک ماه پیش امضا شده بود، به کانون رویارویی تبدیل شد. متن توافق از ایران می‌خواست برای عبور ایمن و رایگان کشتی‌های تجاری، در دوره‌ای ۶۰ روزه ترتیبات لازم را فراهم کند. ایران این عبارت را به معنای داشتن نقش مدیریتی در تنگه می‌دانست؛ اما آمریکا آن را تهدیدی برای عدم ممانعت از رفت و آمد دریایی تلقی می‌کرد. در نیمه‌ی دوره‌ی تعیین شده، دو طرف حملات موشکی و پهپادی را ادامه دادند، شرکت‌های کشتی‌رانی حتا با وجود پیشنهاد حفاظت آمریکا، از عبور خودداری کردند و گفت‌وگوها درباره‌ی مواد هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم پیش‌رفتی نداشت. آمریکا در هفته‌های نخست اجرای توافق، اجازه داده بود نفت ایران دوباره در بازارهای بین‌المللی فروخته شود؛ اما با تشدید درگیری، تحریم و محاصره را بازگرداند. تهدیدهای ترامپ علیه پل‌ها و نیروگاه‌های ایران و طرح احتمالی تصرف جزیره‌ی خارک نیز مطرح شد که گزارش یادآور می‌شود در صورت وقوع چنین امری، نیروهای مستقر در خارک در معرض موشک‌ها و پهپادهای ایران قرار می‌گرفتند و تصرف آن نیز مساله‌ی عبور از تنگه‌ی هرمز را حل نمی‌کرد.

عنوان «آینده‌ی اسرائیل در کفه‌ی ترازو» در صفحات ۱۶ و ۱۷، جنگ با ایران در چارچوب پی‌آمدهای نظامی و سیاسی چند جنگ پیاپی اسرائیل بررسی می‌شود. بنیامین نتانیاهو در آستانه‌ی انتخابات اسرائیل بر قدرت نظامی و مالی کشور تاکید می‌کرد؛ اما ارتش اسرائیل، هم‌چنان در غزه، جنوب لبنان و سوریه، درگیر و با فشار ناشی از طولانی شدن عملیات روبه‌رو است. این گزارش می‌گوید اسرائیل، با وجود پشتیبانی مستقیم قدرت نظامی آمریکا در دو جنگ، نتوانسته برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران را نابود یا حکومت ایران را سرنگون سازد. نتانیاهو در کارزار انتخاباتی خود ترور رهبران حماس، حزب‌الله و ایران و انهدام زیرساخت‌های نظامی را فهرست کرده؛ اما این اقدامات به پایان جنگ‌ها یا تحقق اهداف اعلامی منجر نشده است. تداوم جنگ روابط اسرائیل با شرکای منطقه‌ای و غربی را نیز فرسوده کرده است. براساس متن، حتا امارات که برای مقابله با حملات ایران از سامانه‌های دفاع موشکی اسرایلی استفاده کرده نیز تمایلی به آشکار کردن نزدیکی سیاسی با تل‌آویو نشان نداده است. هم‌چنین، مخالفان نتانیاهو با وجودی که هنوز برنامه‌ی منسجمی برای پایان دادن به جنگ‌های جاری ارایه نداده‌اند، از نتایج نامشخص جنگ‌ها و فشار وارده بر ارتش و نیروهای ذخیره انتقاداتی داشته‌اند.

عنوان «تنگه‌ی هرمز؛ تنگ‌نایی ساخته‌ی دست خودشان» که در صفحات ۴۱ و ۴۲ منتشر شده است، از هفت شب حملات متقابل پس از ۷ ژوئیه سخن می‌گوید. بر اساس ادعای متن، در آغاز این دور، ایران

به سه کشتی در تنگه حمله کرد و آمریکا نیز حملات خود را در جنوب ایران و پیرامون تنگه‌ی هرمز آغاز کرد. هر دو طرف، دامنه‌ی حملات را محدود نگه داشته و آمریکا عمدتاً اهداف جنوبی ایران را زد و ایران از حمله‌ی مستقیم به زیرساخت‌های غیرنظامی کشورهای خلیج فارس خودداری کرد. با این حال، محاصره‌ی دوباره‌ی کشتی‌رانی ایران، لغو معافیت فروش نفت و تهدید علیه زیرساخت‌های انرژی، بخش عمده‌ی یادداشت تفاهم را بی‌اثر کرد. اختلاف اصلی به مسیرهای دریایی مربوط بود. مسیر معمول عبور، کریدوری شش مایلی در آب‌های عمیق است؛ اما مین‌ها کشتی‌ها را به مسیر شمالی در آب‌های ایران یا مسیر جنوبی نزدیک عمان سوق داده بودند. نیروی دریایی آمریکا نفت‌کش‌ها را در مسیر جنوبی همراهی می‌کرد و سازمان ملل نیز استفاده از آن را توصیه کرده بود. ایران این مسیر را تهدیدی علیه ادعای کنترل خود بر تنگه‌ی هرمز می‌دانست. کاهش اعتماد شرکت‌های کشتی‌رانی سبب شد شمار عبورها از ۳۶ کشتی در یک هفته به ۱۱ کشتی در ۱۲ ژوئیه برسد. قیمت نفت برنت نیز پس از تشدید حملات افزایش یافت. برآورد خسارت جنگ به اقتصاد ایران ۲۷۰ میلیارد دلار اعلام شده بود و حکومت برای دستیابی به مزایای مالی، توافق را پذیرفته بود. با این وجود، میان نیروهای متمایل به کاهش فشار اقتصادی و جناح‌هایی که حفظ کنترل هرمز را اهرم راهبردی می‌دانستند، اختلاف وجود داشت. بیش از ۳۰۰ حمله‌ی محدود آمریکا در هفت شب رفتار ایران را تغییر نداده و شش هفته بمباران شدیدتر آمریکا و اسرائیل نیز توان شلیک موشک و پهپاد از مناطق داخلی را از میان نبرده است. تشدید حمله به زیرساخت‌های حیاتی ایران می‌تواند حملات متقابل به کشورهای خلیج فارس را در پی داشته باشد و اعزام نیروی زمینی نیز گزینه‌ای عملی تلقی نمی‌شود. بازگرداندن محاصره، دو طرف را به دوره‌ی فشار اقتصادی پیش از توافق بازمی‌گرداند؛ اما تضمینی وجود ندارد که ایران بار دیگر همان سطح از محدودیت را بپذیرد. تلاش برای تشکیل ماموریت چند ملیتی نیز با تردید کشورهای اروپایی، ژاپن و دولت‌های خلیج فارس روبه‌رو است. نتیجه‌ی عملی این بن‌بست، آن است که آمریکا نمی‌تواند تنگه را صرفاً با بمباران باز کند و ایران نیز از بسته ماندن آن درآمدی به دست نخواهد آورد.

عنوان «عراق؛ دوست چه کسی است؟» که در فهرست، ذیل «عراق، ایران و آمریکا» معرفی شده و در صفحات ۴۲ و ۴۳ ادامه دارد، رقابت زمینی واشنگتن و تهران هم‌گام با نبرد دریایی تنگه‌ی هرمز دنبال می‌شود. علی‌الزیدی نخستین سفر خارجی خود را به واشنگتن اختصاص داده و وعده‌ی خلع سلاح شبه‌نظامیان وابسته به ایران و کاهش انتقال دلارهای عراقی به ایران را اعلام کرده است. آمریکا پیش‌تر با تهدید تحریم، از بازگشت نوری المالکی ممانعت به عمل آورده بود. الزیدی برای پرداخت حقوق بخش عمومی به درآمد نفت وابسته است. درآمدی که به دلیل جنگ جاری کاهش یافته و افزون بر آن، از مجرای مالی نیویورک عبور می‌کند. بنابراین، در برابر فشار آمریکا آسیب‌پذیر است. شرکت‌های آمریکایی نیز درباره‌ی توسعه‌ی میدان‌های نفتی، ساخت پایانه‌ی گاز مایع و ایجاد خطوط لوله‌ای که هرمز را دور بزند مذاکره کرده‌اند. با این همه، بر اساس ادعای نشریه، حدود سه هزار نیروی شبه‌نظامی از فرمان خلع سلاح سرپیچی کرده و همراه ایران به کشورهای عربی خلیج فارس موشک و پهپاد شلیک کرده‌اند. ارزیابی گزارش این است که هر چند حملات آمریکا و اسرائیل بخش‌هایی از ساختار نظامی ایران را تضعیف کرده؛ اما نفوذ ایران در عراق را از میان نبرده است. تغییر فضای عمومی عراق پس از جنگ نیز از آن جا که بخشی از مخالفان پیشین نفوذ تهران، مقاومت ایران در برابر آمریکا را دفاع از حاکمیت تلقی کرده‌اند، به سود ایران توصیف می‌شود.

1. The Economist. (2026, July 18). The Economist: UK edition, 460(9508).

روزنامه

پنجشنبه ۱۴۰۵ مرداد ۴/۳ شماره ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۶

سردبیر: محمدرضا کریمی

راه‌های ارتباط با روزنامه:

سایت: <https://www.ruzname.org>

تلگرام: https://t.me/RUZNAME_4

اینستاگرام: https://www.instagram.com/ruzname_4

ایمیل: RUZNAME2@gmail.com